

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۰

مقاله: ترویجی

صفحه ۳۱-۲۹

شاخص‌های امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

هادی رجبی^۱خداکرم عبدی^۲

چکیده

زمینه و هدف: امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان است. امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به قله‌های صنعت و فناوری، در پرتوی امنیت میسر می‌شود. از اهداف مهم این پژوهش شناخت شاخص‌های امنیت اجتماعی در اسلام است. در این پژوهش به تشریح واژه امنیت از نظر لغوی و مفهومی و تبیین جایگاه امنیت از دیدگاه اسلام پرداخته شده و شاخص‌های ایجاد امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم بیان شده است.

روش: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این تحقیق مشخص شد که در قرآن کریم به بُعد امنیت اجتماعی و شاخص‌های آن، توجه و تأکید شده است و بدون رعایت شاخص‌های آن، فعالیت‌های فکری، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی و نیز ترویج احکام الهی و هدایت فرد و جامعه مختل می‌شود.

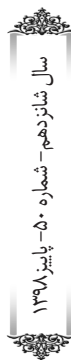
واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، عبادت، امر به معروف و نهی از منکر، حدود اسلامی، حجاب، عدالت.

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول) rajabi313@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین.

۱- مقدمه

چنانچه ضریب امنیت در کشوری در حدی بالایی باشد، افراد و اقوام ساکن در آن با صلح و صمیمیت، آسایش و آرامش در کنار هم زندگی و برای آبادانی کشورشان به طور جمعی تلاش می‌کنند. «اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسان‌هایی که مرتکب خلافی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند. امنیت جان و مال از تأکیدات اسلام است. ضمن اینکه امنیت در اسلام اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده و در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند و اما آن‌ها که در مسیر خلاف‌اند و یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محروم‌اند» (افتخاری، امیدوار و خواجه‌سروی، ۱۳۷۹: ۸۴). قرآن کریم یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند را امنیت می‌داند و در جهت تحقق این هدف، انسان را به آرامش عمومی و عبادت و معنویت دعوت می‌کند. قرآن کریم که منبع اصلی تعالیم دین مبین اسلام است، موضوع و مقوله امنیت را در ابعاد و زوایای مختلف آن و به شکل‌های گوناگون مورد توجه و عنایت خود قرار داده است. از دیدگاه امام علی (ع) نیز امنیت افزون بر اینکه یکی از دلایل تشکیل جامعه تلقی می‌گردد، نعمتی از سوی خداوند است. به همین دلیل از جمله دعا‌هایی که ایشان فراوان می‌خواند، دوری از وحشت و ایجاد امنیت بوده است (طبیعی، ۱۳۶۷: ۲۶). در بسیاری از آیات قرآن کریم، اهمیت و ضرورت امنیت به صورت کلی و عام بیان شده است (منصوری، ۱۳۸۵: ۹). از طرف دیگر اهمیت و ضرورت شناسایی مسائل اجتماعی از منظر قرآن کریم نیز بر کسی پوشیده نیست. از مجموعه اشاراتی که قرآن مجید به امنیت اجتماعی و شاخص‌های آن دارد، درمی‌یابیم که این موضوع در قرآن به طور جدی مورد اهتمام است و خداوند متعال ضمن توجه دادن مسلمانان به امنیت اجتماعی، راه‌های تأمین آن را نیز تبیین نموده است (احمدی و زارع: ۱۳۹۴). در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مستندات کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی هستیم که شاخص‌های امنیت اجتماعی در اسلام کدام‌اند؟



۲- مبانی نظری

واژه «امنیت» از ریشه «امن» می‌آید که به معنای «آرامش یافتن»، «بیمناک نبودن» و «نترسیدن» است. امنیت در فرهنگ لغات، به معنی «ایمن شدن»، «در امان بودن و بی‌بیمی» (معین، ۱۳۸۸: ۳۵۴/۱) و نیز «ایمنی، آرامش و آسودگی» (عمید، ۱۳۷۶: ۱۹۸/۱) آمده است. فارغ از ریشه لغوی در تعریف امنیت باید گفت که «امنیت عبارت است از حالت و شرایطی که در آن آرامش، آسودگی و ایمنی خاطر حکم فرماست و ترس و بیمی وجود ندارد» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۶). امنیت از زوایای مختلف در مکاتب و نظریه‌های علمی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است که می‌توان به دو رویکرد سلبی (منفی) و ایجابی (مثبت) اشاره کرد:

الف- رویکرد سلبی

در یک رویکرد سلبی، امنیت به نبود تهدید تعبیر می‌شود. در این گفتمان امنیت به‌عنوان یک «وضعیت»، کمترین توجه را به بسترها و تغییرات اجتماعی متحول، معطوف می‌دارد. «هدف امنیت در وجه سلبی، استقرار نظم و برقراری ثبات است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵) «در این گفتمان امنیت عبارت است از ظرفیتی که تهدید از طرف یک بازیگر بیرونی، نسبت به منافع حیاتی و مهم بازیگر اصلی وجود نداشته باشد؛ بنابراین، تهدیدات در گفتمان سلبی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۱- مقولاتی هستند که از فضای بیرون تولید می‌شوند.

۲- دارای ماهیت سخت‌افزاری هستند.

۳- از نظر چهره و گونه، قابل تهدید نیستند و متناسب با شرایط و امکانات تحول می‌یابند.

۴- در وضعیت تراکمی قرار دارند؛ یعنی چهره‌های جدید، چهره‌های قدیمی را از بین نمی‌برند» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۵).

ب- رویکرد ایجابی

در رویکرد ایجابی، «امنیت» از یک سو در نتیجه کارکرد مثبت نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأمین و از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به نسل‌های جدید منتقل می‌شود و

در فرایند زمان جریان پیدا می‌کند. در رویکرد ایجابی تلاش بر این است که به امنیت به‌عنوان مفهومی مستقل نگریده شود و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش، امنیت به «نبود تهدید» محدود نمی‌شود و افزون بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت نیز مدنظر قرار می‌گیرد. این نگرش در فرایند سیر تحولی خود در سایه فرایند جهانی شدن و تغییراتی که در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده است، نوعی «رویکرد فرامدرن» را پدید آورده است که در تبیین امنیت، الزامات جهانی شدن، گسترش حوزه نفوذ رسانه‌های همگانی و فناوری اطلاعات را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. «امنیت در وجه ایجابی، شکل کامل‌تری از حیات اجتماعی را دربر می‌گیرد؛ زیرا در این وجه، دیگر تنها حفظ زندگی مهم نیست بلکه حفظ راه و روش زندگی اهمیت می‌یابد» (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۸-۷۷) «هدف امنیت در وجه ایجابی، یکپارچگی و همبستگی است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۷). در گفتمان ایجابی:

۱- تهدید درونی است، حتی تهدیدات بیرونی نیز ریشه و خاستگاه درونی دارند.

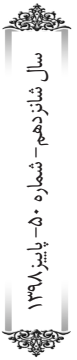
۲- تهدیدات، نرم‌افزاری هستند.

۳- تهدید یک فرایند است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۶).

۲-۱- مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن کریم

امنیت از آنجاکه یکی از اساسی‌ترین نیازهای آدمی به‌شمار می‌رود، در اسلام، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. در فلسفه سیاسی اسلام، «امنیت» به‌معنای مصونیت حقوق هر فرد از هر نوع تعرض است و چنین مفهومی از امنیت، مصالح عمومی، عدالت، آزادی و رفاه و غیره را نیز دربر می‌گیرد.

در اسلام، مفهوم وسیع امنیت، هم شامل امنیت درونی (طمأنینه نفس) و هم شامل امنیت بیرونی می‌شود. منظور از امنیت درونی، همانا آرامش خاطری است که در اثر مبارزه با هواهای نفسانی، همراه با عنایات ویژه رحمانی در جهت رسیدن به مرحله (نفس مطمئنه)، برای مؤمن فراهم می‌آید. در این باره، قرآن کریم در مورد اهل ایمان می‌فرماید:



«قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۷ و ۲۸) «بگو خدا هرکس را بخواهد، گمراه و هرکس را که به سوی او بازگردد، هدایت می‌کند، آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به خدا، مطمئن و آرام است، آگاه باشید با یاد خدا، دل‌ها آرامش می‌یابد».

با اندکی تأمل در مفاهیم قرآنی، می‌توان دریافت که در فرهنگ قرآن کریم، امنیت از یک مفهوم وسیع و متوازن و عمیق برخوردار است که شامل تمام حوزه‌های زندگی انسان اعم از مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، داخلی، خارجی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌شود. امنیت در مفهوم قرآنی آن در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و برادری، دفاع و حمایت از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد و مجرم، دفع فقر و مسکنت، تأمین معیشت و رفاه، حفظ آزادی‌های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی امکان‌پذیر است.

در قرآن کریم به صورت مکرر به «امنیت» اشاره شده است. در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق و حدود ۸۷۹ بار در قرآن کریم به کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی استفاده شده است (روحانی، ۱۳۶۸: ۳۷۲-۳۷۳) تعاریف و جلوه‌های مختلفی از امنیت را می‌توان در قرآن کریم سراغ گرفت که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱- ایمان به معنای «باور همراه با عمل» برای انسان امنیت به ارمغان می‌آورد؛ ایمان در قرآن کریم و نصوص اسلامی، به عنوان مقدس‌ترین سرمایه انسانی مطرح شده است؛ موهبتی که نجات و سرفرازی انسان به آن بستگی دارد و تمامی وعده‌های الهی، به وجود آن موکول گشته است و ایجاد آن در قلب فرد و جامعه عمده‌ترین هدف و رسالت دین، معرفی شده است. این مطلب، نشانگر ارزش والای امنیت و قداست آن در تعالیم وحی و آیین اسلام است. قرآن کریم انسان‌های در راه خدا را با تعبیر «الذین آمنوا» بیان کرده است؛ این افراد کسانی هستند که یا خود را به مقام امن رسانده‌اند؛ و یا افرادی هستند که دارای امنیت و برخوردار از آن شده‌اند.

۲- امانت که در اسلام تأکید بر حراست از آن و از خیانت نسبت به آن منع اکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال، ۲۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد]». همچنین: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸) «قطعاً خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید».

۳- قرآن کریم مقدس‌ترین مکان را که کعبه است به صفت امن توصیف می‌کند «و هنگامی که خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم» (بقره، ۱۲۵) «و نیز حرم الهی و سرزمین مکه را به مکان امن تعبیر می‌کند: «آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم» (قصص، ۵۷). همچنین امنیت را به‌عنوان ارمغانی الهی به کسانی که در این حرم مقدس پروردگار درآمده باشند، عطا نموده است «و هرکس در آن درآید در امان است» (آل عمران، ۹۷).

۴- در قرآن کریم شهری که برخوردار از امنیت است به‌عنوان الگو و نمونه سرزمین مطلوب مطرح شده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً» «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود» (نحل، ۱۱۲).

۵- روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح گام در جنت می‌نهند به آن‌ها نوید امنیت داده می‌شود: «[به آنان گویند] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید» (حجر، ۴۶).

۶- احساس امنیت، حالتی است که قرآن کریم آن را چون امدادی الهی شامل حال کسانی می‌شمارد که از زمره مجاهدان در راهش باشند: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا» «سپس [خداوند] بعد از آن اندوه آرامشی [به‌صورت] خواب سبکی بر شما فرو فرستاد» (آل عمران، ۱۵۴). در این آیه، امنیت به‌گونه‌ای توصیف شده که از فرط آرامش، موجب رخوت و فرو رفتن در خواب می‌شود. جریان آیه مربوط به غزوه احد است که مسلمانان پس از یک شکست همراه با هزیمت به پیروزی و امنیت رسیدند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۳۶۴-۳۶۳).

پس از اشاراتی به مفهوم امنیت از دیدگاه قرآن، اینک در ادامه سعی خواهد شد تا با رعایت اختصار، فقط به بُعد اجتماعی امنیت پرداخته شود و شاخص‌های آن با توجه به آیات قرآنی



بررسی شود. در آغاز مفهوم‌شناسی امنیت اجتماعی و سپس شاخص‌های آن بیان می‌گردد:

۲-۲- مفهوم‌شناسی امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنای امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت شخص از جانب عوامل اجتماعی است. در اندیشه اسلامی، امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت، رعایت حرمت، حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و برخورد با مفسدان و مجرمان و رفع فقر، تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع، حاکمیت عادلانه، حقانی و قانونی و رعایت معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۵). امنیت اجتماعی یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضای خود، فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع امنیت، آن است که جامعه، به دنبال به وجود آوردن آن است و می‌توان گفت یکی از وظایف و اهداف جامعه، همانا برقراری امنیت است.

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت هم مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و غیره باشند. امنیت اجتماعی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین امنیت‌ها، به‌شمار می‌رود زیرا چنانچه امنیت در جامعه، در حدی نباشد که انسان‌ها بتوانند نمودار آینده خود را بر اساس گذشته خویش ترسیم کنند، رشد و توسعه امکان‌پذیر نخواهد شد.

«امنیت اجتماعی همچون سایر پدیده‌ها و امور اجتماعی، دارای گونه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان از امنیت شغلی، امنیت قضایی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی و امنیت اداری نام برد. با توجه به این موضوع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که امنیت اجتماعی مفهومی است مرتبط با پدیده‌های مختلف اجتماعی که در شکل دادن فعالیت‌های مثبت اجتماعی، نقش مؤثری ایفا می‌کند، نقشی که باید مبتنی بر اصول حقوقی و ضوابط قرارداد اجتماعی باشد» (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۸).

۳- شاخص‌های ایجاد امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

۳-۱- توجه به عبادت و یاد خدا

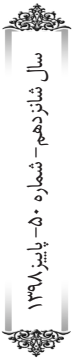
یکی از شاخص‌های امنیت اجتماعی، توجه به عبادت و یاد خدای سبحان است؛ بدین معنی که توجه به عبادت و یاد خدا از جمله شاخص‌هایی است که در پی آن امنیت اجتماعی ایجاد می‌گردد. با وجود پیشرفت‌های صنعتی و فنی، انسان امروزی بیش از گذشته در معرض ناامنی قرار دارد؛ زیرا گسترش زندگی صنعتی و ماشینی اگرچه توانسته است جسم او را اندکی به آسایش رساند و زحمت جسمانی او را کم کند، اما این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که روح و روان او را به بند کشیده و در کنار آن آسایش جسمانی، انواع و اقسام اضطرابات، دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی را به او تحمیل نموده است و این نیز نبوده مگر به خاطر اینکه دل‌بستگی به ظواهر تمدن امروزی، او را از یاد خدا غافل کرده و در نتیجه این فراموشی یاد خدا، هم امنیت فردی و هم امنیت اجتماعی او به خطر افتاده است. از همین رو، قرآن کریم همواره به انسان‌ها تذکر می‌دهد که اگر طالب آسایش و آرامش هستید راهی جز روی آوردن به یاد خدا، فرا روی شما نیست:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». هنگامی که دل و جان انسان در اثر یاد خدا به ساحل آرامش رسید به‌طور طبیعی جامعه بشری نیز از امنیت اجتماعی مطلوب برخوردار خواهد شد.

قرآن کریم به‌منظور ایجاد روحیه به یاد خدا بودن، آدمیان را امر به اقامه نماز فرموده است؛ زیرا نماز مهم‌ترین و زیباترین جلوه یاد خداست:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴) «منم من خدایی که جز من خدایی نیست پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار».

یکی از موارد توجه به عبادت و یاد خدا، نماز است که نقش بسزایی در تأمین امنیت اجتماعی دارد. خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن کریم یکی از مهم‌ترین آثار نماز را دور نمودن نمازگزار



از «فساد و فحشا» ذکر می‌فرماید:

«أَثَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرُوا اللَّهَ أَكْبَرَ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت، ۴۵) «آنچه از کتاب به‌سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید».

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلاكِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴) «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدای را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد». نماز، نفس سرکش را مؤدب به آداب الهی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران می‌کند و در نتیجه امنیت اجتماعی را در بالاترین سطح برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد.

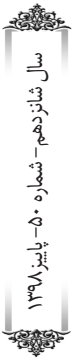
۳-۲- اجرای حدود اسلامی

یکی دیگر از شاخص‌های شکل‌گیری امنیت اجتماعی، اجرای حدود اسلامی است. اسلام دینی است که به‌منظور فراهم آوردن فضایی امن و خالی از هرگونه ناامنی و نگرانی در کنار عوامل تشویقی که برای دور کردن انسان‌ها از عوامل مخل امنیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، برخی قوانین و مقررات تنبیهی را نیز مقرر داشته است؛ زیرا به تجربه ثابت شده که برخی از انسان‌ها تنها هنگامی که با مجازات سخت و کیفری شدید مواجه می‌شوند، دست از گناه کشیده و خود را آلوده به معصیت نمی‌کنند. هر گناهی که از آدمی سر می‌زند اغلب به حیطة فردی خویش محدود نمی‌شود و عواقب و ثمرات آن دامن‌گیر اجتماع نیز می‌گردد و در نتیجه امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌افکند.

برای پیشگیری از تهدید امنیت اجتماعی، لازم است که اجرای قوانین و حدود اسلامی از سوی مجریان حکومت اسلامی با جدیت دنبال شود؛ به‌عنوان نمونه دو گناه بزرگ قتل و دزدی از جمله عواملی هستند که اگر نسبت به آن‌ها هرگونه سهل‌انگاری و مسامحه‌ای صورت

گیرد، بسیار زود، در جامعه فراگیر می‌شوند و در نتیجه امنیت اجتماعی را به‌طور جدی تهدید می‌نمایند. از همین رو، در آیات بسیاری از قرآن کریم نسبت به این دو گناه هشدارهایی داده شده است تا انسان‌ها از ارتکاب آن‌ها خودداری کنند و چنانچه کسی پا را از این حدود الهی فراتر نهد و با وجود تحذیرات شرعی، مرتکب یکی از این گناهان گردید، باید مطابق دستورات قرآن کریم و شرع مقدس مجازات شود. در قرآن کریم «قاعده قصاص» در رابطه با مرتکبین قتل وضع شده و خداوند متعال از این اصل به‌عنوان عاملی برای تداوم حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ مِّنْ عُنْدِي بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ * وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹ و ۱۷۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید درباره کشتگان بر شما (حق) قصاص مقرر شده، آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هرکس که از جانب برادر (دینی) اش (یعنی ولی مقتول) چیزی (از حق قصاص) به او گذشت شود (باید از گذشت ولی مقتول) به‌طور پسندیده پیروی کند و با رعایت احسان، خون‌بها را به او بپردازد این حکم، تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هرکس بعد از آن، از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است * و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی باشد که به تقوا گرایید».

این آیه که در نهایت فصاحت و بلاغت است، به‌صورت یک شعار اسلامی در ذهن همگان نقش بسته و به‌خوبی نشان می‌دهد که قصاص اسلامی به‌هیچ‌وجه جنبه انتقام‌جویی ندارد؛ بلکه دریچه‌ای است به‌سوی حیات و زندگی انسان‌ها. همچنین درباره معضل دزدی و سرقت که یکی از عوامل برهم‌زننده نظم جامعه و ایجاد ناامنی اجتماعی است، قرآن کریم چنین فرمان می‌دهد: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده، ۳۸) «و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند دستشان را به‌عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خداوند توانا و حکیم است».



با توجه به مفاد این آیه شریفه، به خوبی اثبات می شود که در دیدگاه اسلام، امنیت جامعه از چنان درجه ای از اهمیت برخوردار است که فرمان می دهد که به سبب برهم زدن آن، دست یک انسان قطع گردد و مرتکب ایجاد ناامنی در جامعه، یک عمر بدون دست زندگی کند، اما امنیت اجتماعی محفوظ بماند.

در مورد اهتمام قرآن کریم در مبارزه با اخلال در امنیت اجتماعی خداوند می فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده، ۳۳)

«سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند؛ این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت». در این آیه شریفه عبارت «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» بیان کننده حال کسانی است که به دشمنی با خدا و رسول خدا (ص) اقدام می کنند. با نگاهی به متن آیه شریفه، استفاده می شود که برای آنان که امنیت اجتماعی را برهم زده و موجبات ناامنی جامعه را فراهم می آورند، خداوند متعال چهار نوع کیفر تعیین فرموده است که بنا به نوع جرم، حاکم اسلامی یکی از آنها را برای مجازات در نظر می گیرد که عبارت اند از: کشته شدن، به دار آویخته شدن، بریدن دست و پای او به طور مخالف و تبعید از محل زندگی.

در ضمن، آیه شریفه به خوبی بیانگر اهمیت والای امنیت اجتماعی در آیین اسلام است، زیرا آنان را که به این امر مهم لطمه وارد می کنند را با عنوان «محارب با خدا و رسول» یاد کرده است، یعنی «امنیت اجتماعی» امری است که به طور مستقیم وابسته به خدا و رسول است و جزء حدود الهی به شمار می آید و هر که به این حدود تجاوز کند، در واقع حدود مرز الهی را مورد سوء قصد قرار داده است.

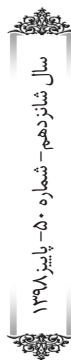
۳-۳- رعایت حجاب اسلامی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم در شکل‌گیری امنیت اجتماعی «رعایت حجاب اسلامی» است. حجاب زنان باعث می‌شود محیط جامعه، سالم و دارای آرامش و امنیت و به‌دور از هرگونه آسیب‌های اجتماعی گردد و رعایت نکردن آن، موجب افزایش طلاق، ازهم‌پاشیدگی زندگی خانوادگی، افزایش فساد و فحشا و تأمین نشدن امنیت زنان می‌شود.

حجاب و پوشش یک تکلیف است و نشان از یک خصلت انسان یعنی عفاف دارد. در کنار این خصلت، ارزش‌های انسانی دیگر از قبیل: دانش، خیرخواهی برای دیگران، اقامه قسط و عدل، بندگی و عبودیت پروردگار و غیره وجود دارد که برای زن و مرد یکسان است و شخصیت زن و مرد با همه این‌ها ساخته می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۶).

دست تدبیر آفرینش عفت و حیاء را در نهاد زن، فطری قرار داده است و ایفای مسئولیت‌های زنان متوقف بر حفظ این امر فطری است. خداوند حجاب و پوشش کامل بدن بانوان را واجب نموده است تا از این طریق به شخصیت و گوهر عفت و حیای فطری و درونی آنان آسیب نرسد و به‌وسیله حفاظ بیرونی حجاب، عفت و حیای آنان حفظ گردد. حجاب و پوشش بانوان در جامعه، نماد و پرچم و شعار حیات اجتماعی اسلام است و پرچم‌دار این حیات اجتماعی اسلامی، بانوان مسلمان باحجاب هستند. بنابراین رعایت حجاب مصداقی از تعظیم شعائر اسلامی در جامعه اسلامی و علامت و نشانه ظاهری از عفت و تقوای درونی و باطنی و قلبی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۹).

«ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲) «این است فرایض خدا و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن حاکی از پاکی دل‌هاست». رعایت حجاب برای صیانت عفت در جامعه ضرورت دارد. محدودیتی که اسلام برای بانوان و دوشیزگان با تشریح حکم حجاب قائل شده است موجب تحقیر شخصیت آنان نیست (تجلیل، ۱۳۷۷: ۱۹۰).



آیات مربوط به حجاب اسلامی در دو سوره از قرآن کریم آمده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يُحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۱) «و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را (از هر نامحرم) فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش فرو اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (هم‌کیش) خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را (به‌گونه‌ای به زمین) نگویند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان همگی (از مرد و زن) به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید».

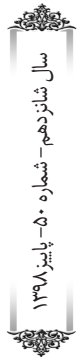
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظِيرِهَا إِنَاءُ وَ لَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكَ أَطْهَرُ لِقُولِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (احزاب، ۵۳) «ای کسانی که ایمان آوردید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذنتان دهند و بر سفره طعام دعوت کنند در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پختن و آماده شدن آن چشم‌انتظار گشایید بلکه موقعی که دعوت شده‌اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود (از پی کار خود) متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به گفتگو پردازید، که این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او به شما از شرم اظهار نمی‌دارد ولی خدا را بر اظهار حق خجلتی نیست و هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده طلبید، که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آن‌ها پاک و پاکیزه بماند

بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را در حیات بیازارید و نه پس از وفات هیچ‌گاه زنانش را به نکاح خود درآورید، که این کار نزد خدا گناهی بسیار بزرگ است».

۳-۴- رعایت عدالت اجتماعی

یکی از شاخص‌ها و زمینه‌های مهم و اساسی برقراری امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی است؛ به نحوی که می‌توان گفت امنیت اجتماعی بدون شکل‌گیری «عدالت اجتماعی» غیرممکن است. عدالت در لغت به معنای تعادل و توازن است. در اصطلاح، عدالت عبارت از قرار دادن هر چیزی در جای درست، و جای درست، همان‌جایی است که خداوند مقرر کرده است و در جامعه، دین و شریعت بیانگر وضعیت طبیعی آن است. بنابراین عدالت اجتماعی یعنی وجود توازن، تعادل و هماهنگی در روابط اعضای جامعه و همه جنبه‌های زندگی اجتماعی، به صورتی که حق مسلم هر انسانی که حداقل آن، برخورداری از نیازهای اولیه حیات، یعنی آموزش و پرورش، مسکن، کار، خوراک، پوشاک و بهداشت و درمان مناسب است، برای همیشه محفوظ باقی بماند و تأمین آن تضمین شود. اصولاً فرض وجود امنیت، بدون عدالت اجتماعی امری محال است همچنان که اجتماع دو چیز متناقض همانند شب و روز ناممکن است. بدون عدالت اجتماعی نه تنها سخن گفتن از امنیت، پوچ و گزافه است، بلکه امکان دسترسی به هر ارزش الهی و آرمان انسانی و شرافتمندانه وجود نخواهد داشت.

تنها عدالت اجتماعی است که ملت را در زندگی اجتماعی و سلوک فردی به سوی ارزش‌های والا و برین سوق می‌دهد و نهایت کوشش را در راه سعادت و نیک‌بختی عمومی و کمال مطلوب به خرج می‌دهد، و برای افراد راه رسیدن به نیکی را هموار می‌سازد و مؤسسات تأمین‌کننده و حافظ خیرات عمومی کشور را تأمین می‌کند و آموزشگاه‌ها و مدارس مناسب را برای آماده ساختن مردم و مجهز کردن آن‌ها به فرهنگ صحیح، ایجاد می‌کند. در این راه، به قوانین و مقررات شرع که برای حفظ و نگهداری حقوق و سلامت افراد لازم است، تمسک می‌جوید، تا اینکه در همه این امور بر طبق نظامی صحیح و حکیمانه که عقل به آن فرمان می‌دهد



و شرع آن را تصویب می‌کند، حرکت نماید (سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۷: ۳۱-۳۲).

۳-۴-۱- اهمیت عدالت اجتماعی در قرآن کریم: ارزش و بزرگی عدالت در سطح اجتماعی از منظر قرآن کریم به حدی است که به صورت اصلی بنیادین و بدل‌ناپذیر مطرح شده است و خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يُنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۹۰) «قطعاً خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید».

«یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص، ۲۶) «ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد».

و در همین راستا، به جامعه اسلامی تذکر می‌دهد که بدی‌ها و دشمنی‌های مخالفان نباید شما را از راه عدالت بیرون برد، حتی با دشمنانتان با عدالت رفتار کنید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده، ۸) «ای اهل ایمان، برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت و راستی و درستی گواه باشید، و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آنکه از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است؛ و از خدا بترسید که البته خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

بر همین اساس، خدای سبحان، یکی از اهداف عمده پیامبران را اقامه عدل و قسط می‌شمارد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ

وَمَنَافِعِ لِلنَّاسِ وَيُعَلِّمُ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۲۵) «همانا پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، تا معلوم شود که خدا و رسولانش را با ایمان قلبی، که یاری خواهد کرد؟ که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی نیاز) است.» تا توجه به اهمیت و عظمت کارکرد عدالت در جامعه، قرآن کریم آن را در زمینه‌های مختلف تعمیم داده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۴-۲- لزوم رعایت عدالت در شهود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيُمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُنَا رِجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ أَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَ لَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَ لَا تَسْمَعُوا أَنْ تُكْتَبَ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَ أَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ إِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۸۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان‌گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او [نویسنده] بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُرْآنِ کریم
 تفسیر
 ۱۳۸۱

[گواه بگیرید]، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، [زن] دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتن [بدهی] چه خُرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش [فرا رسد]. این [نوشتن] شما، نزد خدا عادلانه‌تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می‌کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین‌گونه] به شما آموزش می‌دهد، و خدا به هر چیزی داناست»

۳-۴-۳- عدالت در داوری: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء، ۵۸) «قطعاً خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست».

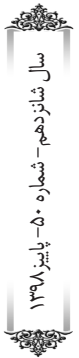
۳-۵- رعایت اخلاق اسلامی

رعایت اخلاق اسلامی زمینه را برای ایجاد صلح و امنیت اجتماعی فراهم می‌کند، محیط زندگی در سایه آن آرام می‌شود، در دل‌ها الفت و دوستی می‌افتد، از برخوردها جلوگیری می‌شود و عفو و رحمت به جای کینه می‌نشیند. در وضعیتی که در جامعه صلح و آرامش و امنیت برقرار باشد رفاه و پیشرفت زندگی هم به‌وجود خواهد آمد. در ضمن با رعایت اخلاق اسلامی تعاون و همکاری و در نتیجه، فضیلت و معنویت برای انسان به‌وجود می‌آید. انسان‌هایی که در محیط‌های دارای فضیلت و معنویت زندگی می‌کنند به‌طور عمومی و همگانی به سعادت می‌رسند سعادت‌تی که توصیه همه مکاتب الهی بوده است. اخلاق اسلامی می‌تواند ضامن حفظ حقوق مردم و مانع از تجاوزات، صدمات و جراحات باشد. افرادی که برخوردار از کرامت‌های اخلاقی هستند، در رعایت حقوق دیگران می‌کوشند، از تعدی و ستم دور هستند، دوست‌دار و یاور یکدیگرند، دلیل و راهنمای هم بوده در رفع دشواری و

مشکلات یکدیگر تلاش می‌کنند. خدمتگزار یکدیگر و در رفع حوایج هم کوشا هستند. با داشتن چنین ویژگی‌هایی امت نمونه به وجود می‌آید (شاکری، ۱۳۸۳: ۴۸).

اسلام برای حاکمیت اخلاق پسندیده و حسنه (به معنی جامع آن) در فرد و جامعه و نفی اخلاق زشت و ناپسند، سرمایه‌گذاری فراوانی نموده است و تأکید بسیار بر تربیت و پرورش پیروان خود با اخلاق حسنه و تزکیه نفس و دوری از اخلاق بد و ناپسند دارد. بخش مهمی از آیات و روایات، به دو بعد مثبت و منفی اخلاق اختصاص داده شده است و نقش اخلاق حسنه را در ساختن شخصیت افراد جامعه و موفقیت در مسیر زندگی، و نیز پی‌آمدهای زیان‌بار اخلاق زشت را در قطع ریشه‌های الفت و محبت و ایجاد آشفستگی و پراکندگی در جامعه و زبونی افراد بیان می‌فرماید که با توجه به نمونه‌هایی از آن‌ها، اهمیت اخلاق در تکامل فرد و جامعه و نقش ارزشمند و حیاتی آن روشن می‌شود. پیامبران و رهبران الهی نه تنها خود آراسته به محاسن اخلاقی بودند، بلکه معلم و ترویج‌دهنده اخلاق نیک و مکارم اخلاقی در جوامع بشری بودند. پیام‌آور اسلام (ص) به داشتن اخلاق حسنه ستوده شده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) «و راستی که تو را خوبی والاست».

رسول اکرم (ص) که خداوند رتبه اخلاقی او را می‌ستاید، به وسیله اخلاق خود که از جذابیت خاصی برخوردار بود، توانست محبوبیت بسیار زیادی کسب کند و قلوب مردم را فتح نماید (وحیدی گلبایگانی، ۱۳۷۷: ۳۳۳) قرآن کریم می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) «پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد».



«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳) «و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند».

نقش و آثار اخلاق نیکو در جامعه، بسیار مهم است. تأثیر اخلاق نیکو را هنگامی می‌توان دریافت که قومی از لحاظ اخلاقی منحط شوند. قرآن کریم فقدان اخلاق را عامل انحطاط و انقراض و هلاک بسیاری از اقوام معرفی می‌کند و می‌فرماید: قوم نوح هلاک شدند چون مفسد اخلاقی به خانواده‌ها کشانده شده بود، قوم لوط به عذاب و فنا محکوم شدند زیرا اخلاق جنسی در آنان به فساد گرائیده بود و مفسد و منکرات به مجامع عمومی راه یافته بود «وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (عنکبوت، ۲۸-۲۹) «و یاد کن لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ‌یک از مردم زمین در آن کار بر شما پیشی نگرفته است آیا شما با مردها درمی‌آمیزید و راه توالد و تناسل را قطع می‌کنید و در محافل انس خود پلیدکاری می‌کنید! ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند اگر راست می‌گویی عذاب خدا را برای ما بیاور».

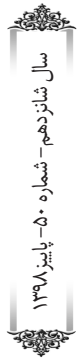
اهل مدین از میان رفتند زیرا در امور معاملاتی خائن و متقلب گشتند و وزن و پیمان را به عدالت ندادند «وَتِلْكَ عَادٌ جَعَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود، ۵۹) «و این قوم عاد بود که آیات پروردگارش را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگویی ستیزه‌جوی رفتند». این در حالی بود که حضرت نوح برای قومش و حضرت شعیب برای اهل مدین و حضرت هود برای قوم عاد، روشنگری می‌کردند اما آنان گوش ندادند و هلاک شدند (شاکری، ۱۳۸۳: ۴۲).

۳-۶- اجرای امر به معروف و نهی از منکر

هر جامعه پویایی، نیاز به آرامش و امنیت در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. یکی از راه‌های تأمین امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی احیاء و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا در پرتو اندیشه‌های صحیح اسلامی است که هم فرهنگ و اعتقادات مردم از انحرافات و تهدید کژاندیشان مصون می‌ماند و هم دست چپاولگران زورگو از اموال مردم و بیت‌المال کوتاه می‌شود. از همه مهم‌تر آنکه به وسیله این فریضه است که می‌توان جامعه را از شر دشمنان داخلی و خطر راهزنان بیرونی حفظ کرد (ایروانی، وطن‌دوست، کمیلی، حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۹۹). قرآن کریم، اهمیت ویژه‌ای به موضوع امر به معروف و نهی از منکر داده است به طوری که حتی ایندو را قبل از نماز و روزه ذکر می‌فرماید، زیرا تا این‌ها نباشند نماز و روزه‌ای محقق نمی‌شود، وجود نماز و روزه حقیقی، مشروط به انجام این دو واجب بزرگ است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱) «و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنان‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است».

«وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۱ و ۲ و ۳) «سوگند به عصر غلبه حق بر باطل * که واقعا انسان دستخوش زیان است * مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند».

کنار هم قراردادن این آیات نکته‌ای را به ما می‌آموزد و آن این است که، لازم است همه افراد جامعه وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، اما در خود جامعه هم باید عده‌ای باشند که بر انجام این فریضه نظارت کنند. آنان در سطحی بالاتر کارهای اجتماع را در نظر می‌گیرند و دستورات اجتماعی می‌دهند، و البته همه مردم باید وظایف فردی خود را نسبت



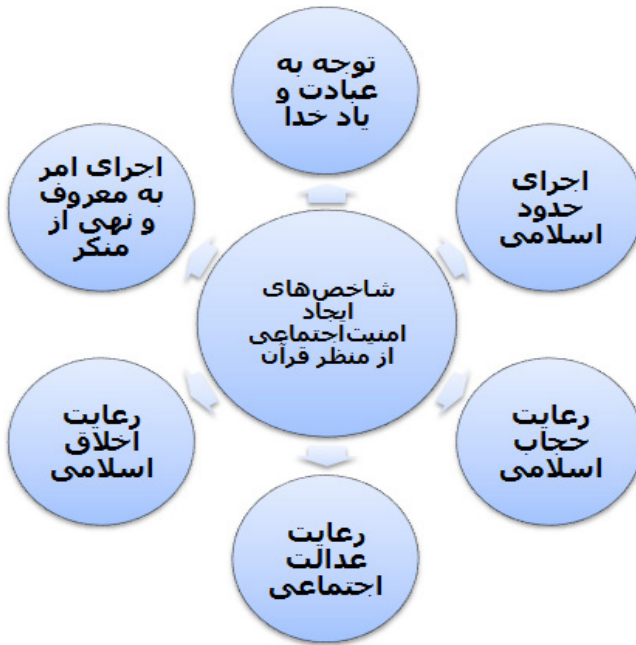


به هم فراموش نکنند. افزون بر اینکه استفاده از افعال مضارع چون (یدعون، یامرون، ینهون و غیره)، در آیات شریفه حکایت از لزوم استمرار و دوام این فریضه در طول تاریخ و گذشت اعصار دارد (غضنفری، ۱۳۸۱: ۲۲۵-۲۲۶).

۴- بحث و نتیجه گیری

سلامت اجتماع منوط به سلامت تک تک افراد آن است. اگر آحاد مردم به راستی از ایمان الهی برخوردار باشند، جامعه، پاک و دور از هرگونه تشمت و انحراف خواهد شد. ایمان منجر به ایجاد امنیت اجتماعی و تشکیل جامعه سالم می شود که در آن افراد، قوانین و حقوق و حدود یکدیگر را محترم می شمارند و عدالت را امری مقدس به شمار می آورند، به یکدیگر اعتماد و اطمینان می کنند. ضمانت اجرای قانون در چنین جامعه ای ترس از پلیس و عوامل تنبیهی نیست، بلکه کیفیات روحی و ایمان افراد آن است. برخلاف بسیاری از جوامع که در آن ها اطاعت از قوانین و رعایت نظم و آداب اجتماعی خاستگاهی غیر از ایمان و عطف قلبی دارد و آن توقعات متقابل و ترس از عوامل تنبیهی است. مردم در این جوامع از برقراری روابط عاطفی و اخلاقی محروم و مقهور حکومت و یا نظام اجتماعی حاکم هستند و در صورت فقدان مجازات و تنبیه، شخصیت حقیقی خود را ظاهر می کنند و برای نیل به آرزوها و منافع خود، دست به جنایات و فجایعی می زنند که جامعه بشری را مورد تهدید قرار می دهد. هدایت جامعه در پرتو هدایت و رشد فردی حاصل می شود و تنها ایمان مذهبی است که می تواند روابط افراد را سامان بخشد و اهداف حاکم بر این روابط را متعالی سازد. منطق اجتماعی اسلام، سلامت جامعه را تابع رفتار ایمانی افراد می داند و آن ها را پیکره واحدی می شمارد که هر قسمت از آن در قسمت های دیگر تأثیر می گذارد.

درمجموع این مقاله با بهره‌گیری از آیات شریفه قرآن کریم، شاخص‌های امنیت اجتماعی برشمرده که در قالب نمودار (۱) قابل ارائه است:



۵- پیشنهادها

- با توجه به اهمیت مقوله امنیت، به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای اساسی در جهت تمرکز علمی بر این موضوع، ایجاد پایگاه علمی و تخصصی با موضوع امنیت و جمع‌آوری دستاوردهای محققان اسلامی با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، سیره معصومان و احادیث ایشان در مجموعه ناجا است.

- در زمینه امنیت اجتماعی با توجه به ارتباط آن با مأموریت‌های ناجا پیشنهاد می‌شود با انجام تحقیقات گسترده‌تر، تمامی شاخص‌های امنیت اجتماعی در تمامی منابع اصیل اسلامی شناسایی گردد و با توجه به نیاز جامعه، به صورت تخصصی نسبت به حل مسائلی که منجر

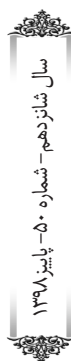


به سلب امنیت اجتماعی می‌شود، اقدام شود.

- عملکرد نهادهای امنیتی در سال‌های گذشته (گام اول انقلاب اسلامی) در زمینه تقویت امنیت اجتماعی، به‌ویژه عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی شود و ضمن بررسی مقدار تطابق آن با منابع دینی و اسلامی، نقاط ضعف برطرف و بر نقاط قوت تقویت شود.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: مرکز طبع و نشر قرآن.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ سیزدهم.
- احمدی، فاطمه و غلامعلی زارع (۱۳۹۴). «راه‌های تأمین امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم». همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت. زنجان: دانشگاه زنجان.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت در نظام سیاسی اسلام. تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). بررسی تهدیدات. مباحث کلاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- افتخاری، اصغر و احمد امیدوار و غلامرضا خواجه سروی (۱۳۷۹). مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا- دفتر سیاسی.
- ایروانی، جواد و رضا وطن پرست و غلامحسین کمیلی و رضا حق پناه (۱۳۸۷). فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، جلد ۲.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تجلیل، ابوطالب (۱۳۷۷). ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیة قم، چاپ دوم.
- روحانی، محمود (۱۳۶۸). فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی (۱۳۷۷). امنیت، ضامن بقای جامعه. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، دفتر سیاسی.
- شاکری، سیدرضا (۱۳۸۳). نیروی انتظامی و صیانت اخلاقی. سازمان عقیدتی نیروی انتظامی. معاونت سیاسی.
- طبعی، منصور (۱۳۷۹). سیمای امنیت در نهج البلاغه. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی - دفتر سیاسی.



- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر، چاپ دهم.
- غضنفری، علی (۱۳۸۱). *ره رستگاری*. جلد ۱. قم: لاهیجی.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). *امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها*. تهران: معاونت آموزشی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر/امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم.
- منصوری، بهمن (۱۳۸۵). «امنیت و ابعاد آن در قرآن کریم با تأکید بر امنیت عبادی، جانی، آزاد زیستن، خانوادگی، اقتصادی و مکه نماد امن الهی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، دوره ۸، شماره ۲.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۷). *پرسیمان حجاب؛ پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن*. قم: صهبای یقین، چاپ سوم.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۵). *حجاب*. تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ چهارم.
- وحیدی گلپایگانی، محمدصادق (۱۳۷۷). *سیمای مؤمنان*. تهران: گلستان کوثر.